



Islamic Maaref University

Scientific Journal


PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 17, Winter 2025, No. 66

Contemporary Moral Crises and Cognitive Strategies for Dealing with Them Based on the Quran and Hadith with Emphasis on the Opinions of Professor Motahari

Kamran Ovesi¹ \ Marzieh Qasemfam²

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Studies, Maaref University, Qom, Iran.
oveysi@maaref.ac.ir
2. Master's student in the Department of Quran and Hadith Studies, Maaref University, Qom, Iran (corresponding author).
marzieh.ghasemfam77@gmail.com

Abstract Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> 	<p>To benefit from the Quran in solving moral challenges, using the method of interrogative interpretation means presenting a challenge to the Quran and extracting an answer from it based on interpretative criteria. Therefore, the present article, using a descriptive-analytical method, examines the nature of some of the most important contemporary moral crises and their causes, as well as the strategies for dealing with them from the perspective of verses and narrations, citing the viewpoint of Professor Motahari. Turning away from the remembrance of God, oppression, lack of purpose in life, and nihilism, idolatry, and sin are among the most important causes of crises in the field of morality, taken from the viewpoint of Professor Motahari. The strategies for dealing with these crises, according to Professor Motahari, include recognizing the crisis, returning to nature, refining the soul, faith, and following a role model. Sometimes these factors or strategies related to ethics, with regard to the three anthropological dimensions based on insight, tendency, and action, are considered to be one or two dimensions, or all of them.</p>
<p>Received: 2024.12.31</p> <p>Accepted: 2025.03.01</p>	
<p>Keywords</p>	<p>Cognitive strategies, contemporary moral crises, hadith and spirituality, Quran, Motahari.</p>
<p>Cite this article:</p>	<p>Ovesi, Kamran & Marzieh Qasemfam (2025). Contemporary Moral Crises and Cognitive Strategies for Dealing with Them Based on the Quran and Hadith with Emphasis on the Opinions of Professor Motahari. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i>. 17 (4). 31-54. DOI: 10.22034/17.66.2</p>
<p>DOI:</p>	<p>https://doi.org/10.22034/17.66.2</p>
<p>Publisher:</p>	<p>Islamic Maaref University, Qom, Iran.</p>

الأزمات الأخلاقية المعاصرة وسبل المواجهة المعرفية استناداً إلى القرآن والحديث مع التأكيد على آراء الأستاذ مطهري

كامران اويسي^١ / مرضيه قاسم فام^٢

١. أستاذ مشارك في قسم معارف القرآن والحديث، جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.

oveysi@maaref.ac.ir

٢. طالبة ماجستير في قسم تدريس المعارف الإسلامية، جامعة المعارف الإسلامية (الكاتبة المسؤولة).

marzieh.ghasemfam77@gmail.com

ملخص البحث	معلومات المادة
للاستفادة من القرآن في معالجة التحديات الأخلاقية، يُعتمد على منهج التفسير الاستنطاقي بمعنى عرض التحدي على القرآن واستخراج الجواب منه وفق الضوابط التفسيرية. ومن هنا، يتناول هذا البحث بالمنهج الوصفي - التحليلي دراسة ماهية بعض أبرز الأزمات الأخلاقية المعاصرة وأسبابها، وكذلك سبل مواجهتها من منظور الآيات والروايات، بالاستناد إلى آراء الأستاذ مطهري. ويُعدّ الاعراض عن ذكر الله، والظلم، وفقدان الهدف في الحياة والنزعة العدمية، وعبادة الهوى، واقتراف الذنوب، من أهمّ العوامل المُسببة للأزمات في المجال الأخلاقي وفقاً لرؤية الأستاذ مطهري. أمّا الحلول لمواجهة هذه الأزمات، مع التأكيد على فكر الأستاذ مطهري، فتتمثل في تشخيص الأزمة، والرجوع إلى الفطرة، وتهذيب النفس، والإيمان، والافتداء بالنماذج الصالحة. وقد تندرج هذه العوامل أو الحلول الأخلاقية، بالنظر إلى الأبعاد الثلاثة لعلم دراسة الإنسان (لأنتروبولوجيا) المتمثلة في الرؤية والميول والسلوك، ضمن بُعدٍ واحدٍ أو بُعدين، أو قد تشمل الأبعاد الثلاثة جميعاً.	نوع المقال: بحث تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٦/٢٩ تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٨/٠١
الحلول المعرفية، الأزمات الأخلاقية المعاصرة، الحديث والمعنوية، القرآن، مطهري.	الألفاظ المفتاحية
اويسي، كامران و مرضيه قاسم فام (١٤٤٦). الأزمات الأخلاقية المعاصرة وسبل المواجهة المعرفية استناداً إلى القرآن والحديث مع التأكيد على آراء الأستاذ مطهري. مجلة علمية النشرة الاخلاقية. ١٧ (٤). ٥٤ - ٣١. DOI: 10.22034/17.66.2 https://doi.org/10.22034/17.66.2	الاقباس: رمز DOI: الناشر:
جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.	



پژوهش‌نامه اخلاق

نشریه علمی

سال ۱۷، زمستان ۱۴۰۳، شماره ۶۶

بحران‌های اخلاقی معاصر و راهکارهای شناختی مقابله با آنها بر اساس قرآن و حدیث با تأکید بر آراء استاد مطهری

کامران اویسی^۱ / مرضیه قاسم‌فام^۲

۱. دانشیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

oveysi@maaref.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسی معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

marzieh.ghasemfam77@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۳۱ - ۵۴)	برای بهره‌مندی از قرآن در حلّ چالش‌های اخلاقی، استفاده از روش تفسیر استنباطی به معنای عرضه داشتن چالش به قرآن و استخراج پاسخ از آن بر اساس ضوابط تفسیری است. از این‌رو، مقاله حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ماهیت برخی از مهم‌ترین بحران‌های اخلاقی معاصر و علل آن و نیز راهکارهای مقابله با آن از منظر آیات و روایات با استناد به دیدگاه استاد مطهری پرداخته است. روی‌گردانی از یاد خدا، ظلم، هدفمند نبودن در زندگی و پوچ‌گرایی، هواپرستی و گناه، از مهم‌ترین علل بحران‌ساز در ساحت اخلاق مأخوذ از دیدگاه استاد مطهری است. راهکارهای مقابله با این بحران‌ها با تأکید دیدگاه استاد مطهری عبارت‌اند از تشخیص بحران، بازگشت به فطرت، تهذیب نفس، ایمان، الگوپذیری. گاه این عوامل یا راهکارهای مرتبط با اخلاق، با التفات به ابعاد سه‌گانه انسان‌شناختی مبتنی بر بینش، گرایش و کنش، در زمره یک یا دو بُعد یا جزو همه آنها محسوب می‌شوند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰	
واژگان کلیدی	راهکارهای شناختی، بحران‌های اخلاقی معاصر، حدیث و معنویت، قرآن، مطهری.
استناد:	اویسی، کامران و مرضیه قاسم‌فام (۱۴۰۳). بحران‌های اخلاقی معاصر و راهکارهای شناختی مقابله با آنها بر اساس قرآن و حدیث با تأکید بر آراء استاد مطهری. پژوهش‌نامه اخلاق. ۱۷ (۴). ۵۴ - ۳۱. DOI: 10.22034/17.66.2
کد DOI:	https://doi.org/10.22034/17.66.2
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

پیشرفت دانش و فناوری توانسته آسایش قابل توجهی را برای انسان فراهم آورد؛ اما هنوز انسان نتوانسته به آرامشی که همیشه جویای آن بوده، برسد، بلکه با بحران‌های معرفتی، اخلاقی و روانی مواجه است. از علت‌های این مسئله، کم‌رنگ شدن خداباوری و معنویت‌گرایی و به تعبیر استاد مطهری، فقر معنوی با منشأ فقدان ایمان است (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۲ / ۶۲۹).

بنابراین دانش و فن بدون پیوست اخلاق، موجب انحراف انسان معاصر خواهد بود (ر.ک: داوری اردکانی، ۱۳۹۹: ۳۶ - ۲۱). مقاله حاضر در تلاش است با روش توصیفی - تحلیلی، برخی از عوامل بحران‌های اخلاقی معاصر را در نصوص قرآنی و روایی با تأکید بر دیدگاه‌های استاد مطهری کشف و بررسی نموده، راهکارهای شناختی مقابله با آنها را استخراج نماید. این چالش‌ها و عوامل و آثار آن، برای نوع انسان بوده، اختصاص به بشر امروز ندارد؛ اما انسان معاصر نیاز بیشتری به شناخت عوامل بحران‌ساز در ساحت اخلاق داشته، لزوم بازگشت به خویشتن، رجوع به درمان و راهکار مأخوذ از دین به‌عنوان نسخه هدیه داده‌شده به بشر از سوی خالقش، با توجه به زنگارهای جهان معاصر، ضرورتی دو چندان می‌یابد.

پیشینه

مقاله‌هایی تدوین شده که از نظر موضوع، عام‌تر از مقاله حاضر هستند: مقاله «بحران معنویت در جهان معاصر» نوشته رضا میرزایی و دیگران، منتشرشده در فصلنامه *مطالعات معرفتی* در دانشگاه اسلامی در سال ۱۳۹۷ که با روشی تحلیلی به بررسی بحران روانی و معنوی در جهان معاصر پرداخته است. در این مقاله، تک بعدی بودن، داشتن اغراض تشکیلاتی، عدم التزام به دین، داشتن رهبران شکست‌خورده و تناقض‌گویی، جزء خصیصه‌های شبه‌معنویت شمرده شده و عوامل بحران‌آفرین در مقوله معنویت، شامل معنویت‌زدایی، ظهور شبه‌معنویت‌ها و عدم توجه لازم به مناسک و عبادات دانسته شده است. بررسی پیامدهای بحران اخلاقی و معنوی از منظر قرآن و اتکا به نظریات شهید مطهری، وجه تمایز تحقیق حاضر با مقاله پیش‌گفته است. ضمن اینکه موضوع نوشتار پیش‌رو با پیشوندها و پسوندهایی ضیق‌تر شده است.

مقاله «بررسی تأثیر معنویت بر ابعاد مختلف فردی در سازمان مبتنی بر نظریات شهید مطهری» تألیف محمدحسن کامفیروزی و دیگران منتشرشده در فصلنامه *علمی پژوهشی مدیریت اسلامی* در سال ۱۳۹۴، تأثیر معنویت بر کارکنان را از ابعاد پنج‌گانه ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقی، رفتاری، فکری و ادراکی و فرافردی با دیدی نو و با نگاهی اسلامی مبتنی بر نظر و اندیشه‌های شهید مطهری مورد مطالعه قرار داده است. در این مقاله از روش ترکیبی با حجم نمونه ۱۱۰ نفر و ۲۱ متغیر استفاده شده که

ابتدا ویژگی‌های تحت‌تأثیر معنویت با استفاده از روش تحلیل محتوا از کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیده و بازبینی و دسته‌بندی الگو با روش گروه کانونی صورت گرفته است. سپس با استفاده از روش رگرسیون این الگو به مرحله آزمون رسیده و سرانجام تأثیر معنویت بر تمامی ابعاد مذکور تأیید شده است. هر چند مقاله حاضر نیز از بین اندیشمندان، نظریات شهید مطهری را مبنا قرار داده است، اما از نظر موضوع و نیز روش و محور قرار دادن نصوص دینی با این نوشتار تفاوت دارد.

الف) مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث، سزاوار است تا برخی از مفاهیم، به‌عنوان پیش‌فهم‌های بحث، تبیین گردند.

۱. بحران اخلاقی

بحران اخلاقی، مرکب از دو واژه «بحران» و «اخلاقی» است. بحران معادل عربی‌شده یک واژه یونانی (krisis) به معنای دگرگونی از حالتی به حالت دیگر که به مرضی و یا صحت منجر می‌شود که از اولی به بحران خوب و از دومی به بحران بد تعبیر می‌شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۶ / ۵۵). برخی دیگر، آن را اصطلاحی در طب می‌دانند؛ زیرا پزشکان تغییر ناگهانی که در امراض شدید برای بیماری‌ها ایجاد می‌شود را بحران گویند (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱ / ۲۷۴).

به همین سبب در معنای اصطلاحی آن گفته شده است: به هم خوردن تعادل و خروج از حالت طبیعی و انتقال به مرحله‌ای که منجر به دگرگونی شود (برزگرشانی، ۱۳۶۸: ۹۸). با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی بحران، قبل از بحران، در فرد حالتی مانند بیماری وجود دارد و این مطلب، زمینه بحران می‌شود. بنابراین در بحران اخلاقی از قبل زمینه‌هایی در فرد و جامعه وجود دارد که موجب عارضه می‌گردد؛ پس رسیدن به نقطه بحرانی، تدریجی است.

بر این اساس، بحران اخلاقی وضعیتی است که در آن جامعه به تدریج فاقد قواعد و هنجارهای مشترک انتظام‌بخش کنش‌ها شده است (دورکیم، ۱۳۶۰: ۹۵ - ۹۴؛ همو، ۱۳۶۹: ۱۱ - ۸).

با توجه به تعاریف ارائه‌شده، بحران اخلاقی در این مقاله به معنای فروپاشی تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی در سطح فردی و اجتماعی است که به سردرگمی ارزشی، افزایش رفتارهای غیراخلاقی و ضعف در انسجام اجتماعی منجر می‌شود. این بحران زمانی رخ می‌دهد که چهارچوب‌های اخلاقی که نقش هدایتگری در رفتارهای فرد و جامعه دارند، دیگر کارایی لازم را نداشته باشند و موجب بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری‌های منجر به کنشگری اخلاقی شوند (Evans, 2020: p. 45).

۲. راهکارهای شناختی

راهکار کلمه‌ای ترکیبی از دو واژه «راه» و «کار» به مفهوم راه‌حل، پاسخ، شیوه‌نامه است. این واژه پارسی، برابر واژه فرانسوی مکانیزم^۱ است (ر. ک: انوری، ۱۳۹۳: ۲ / ۲۲۶۸).

راهکار در یک تقسیم‌بندی انسان‌شناختی، به سه نوع بینشی، گرایشی و کنشی تقسیم می‌شود. این راهکارها بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند و بر شیوه رفتار انسان اثر می‌گذارند (ر. ک: ریویر، ۱۳۹۷: ۱۲ - ۸). توضیح اینکه شناخت از بینش مبتنی بر جهان‌بینی در نتیجه سلسله اعتقاداتی از جهان و خدا و انسان و روابط آنها و قوانین هستی‌شناختی فردی و اجتماعی پدیدار می‌شود (ر. ک: ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۴). برخی از فیلسوفان علم الاجتماع مانند کوهن و لاکاتوش درباره تأثیر مباحث متافیزیکی در باورها اذعان دارند (ر. ک: امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۶۹). پس انسان باید بتواند خطاهای ناشی از عدم شناخت را تشخیص دهد و برای اصلاح خود و سپس دیگران اقدام کند (امینی، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

میل و گرایش، آن‌کشی درونی است که انسان نسبت به اعیان و افعال و افکار پیدا می‌کند. مانند تمایل به جاودانگی، مادیات و دنیا (ر. ک: مطهری، ۱۳۹۰: ۳ / ۵۰۱ - ۴۹۲). میل به خوبی و عدم رغبت به بدی به صورت فطری در انسان نهادینه شده است (حجرات / ۷)؛ اما خود بشر است که این فطرت پاک را با اختیار خود سالم نگه داشته یا آلوده می‌سازد (شمس / ۱۰ - ۷) و با میل غلط به امیال خود جهتی خطا می‌دهد. بنابراین یک سری از امیال در انسان به صورت طبیعی وجود دارد که افراط یا تفریط در آنها سبب خروج آنها از حالت طبیعی می‌گردد (ر. ک: امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

رفتار، بروزهای عملکردی خارجی است که به آن کنش - واکنش گفته می‌شود (ر. ک: هوکسما، نولن و دیگران، ۱۳۸۶: ۱ / ۴۶۵) و ظهور آنها به شکل صفات در شخصیت انسان (شاکله) نشان داده می‌شود (اسراء / ۸۴).

استاد مطهری از آن با عنوان منش یعنی عادت‌های رفتاری یک فرد که در اثر تأثیرهای بینش و گرایش بر انسان ایجاد می‌شود، نام برده است (ر. ک: مطهری، ۱۳۹۰: ۳ / ۵۰۱ - ۴۹۲). برخی از علمای اخلاق، منش و شخصیت را به یک معنا دانسته‌اند (موسوی لاری، ۱۳۷۶: ۹۰)؛ اما برخی دیگر میان این دو اصطلاح تفاوت قائل شده‌اند و معتقدند منش برای جنبه‌های اخلاقی و ملکات فاضله و ردائل، ارزیابی شخصیت با مقیاس‌های اخلاقی، یعنی خوبی و بدی و شخصیت، معرف تمام کیفیات روحی و اخلاقی و عقلی و عاطفی و حتی بدنی است (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۶۱).

با توجه به مباحث پیش‌گفته، راهکار شناختی یعنی پاسخ فرآیندساز یا با توجه به مؤلفه‌های بینش‌زا

1. Mekanizam.

که سبب حل مشکل یا بحران در یک موضوع یا مسئله است. در اینجا آن توجه و التفات به متغیرهای مبتنی بر معرفت و شناخت و جهان‌بینی استخراج‌شده از متون دینی است که بتواند بحران اخلاقی انسان معاصر را حل نماید یا روند افزایش آن را کاهش دهد.

پیش از ورود به بحث راهکارهای مقابله با بحران‌های اخلاقی جهان معاصر، سزاوار است ابتدا چگونگی مواجهه اسلام با بحران‌های اخلاقی مورد بررسی قرار گیرد.

ب) تبیین مواجهه اسلام با بحران اخلاقی

در منابع اسلامی، سلامت معنوی و اخلاقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا قلمرو سلامت جسم، فقط شامل زندگی دنیا است؛ اما دامنه آثار سلامت معنوی تا آخرت را در بر می‌گیرد (بقره / ۱۱۰).

بنابراین توجه به معنویت و جلوگیری از به وجود آمدن چالش اخلاقی و به ویژه بحران‌های اخلاقی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های سلامت زیست معنوی است. بدو پیدایش بحران اخلاقی، آن جایی است که فرد و جامعه، خدا را فراموش کنند. همان‌گونه که قرآن بدان اشاره دارد (انعام / ۴۴).

این مسئله آنقدر مهم است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز به اهمیت تدبیر در آفرینش جهت جلوگیری از فراموشی خدا برای برگشتن به راه درست اشاره نموده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵).

علاوه بر انگاره ایجابی با توجه به فرمایش مذکور که سبب رهایی از فراموشی خدا می‌شود، حتی از جنبه سلبی نیز می‌توان به آیه پیش‌گفته تمسک نمود. در روایتی آمده است یکی از صحابه زنی را دید که او را از قدیم و در عصر جاهلیت می‌شناخت. پس از اتمام گفت و شنود با او، زمانی که زن برگشت و رفت، از پشت او را برانداز نمود و نگاه حرام انداخت. چون حواس او به جای دیگر بود، صورتش به دیوار گرفت و خراشیده شد. نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، جریان را تعریف نمود؛ حضرت فرمود:

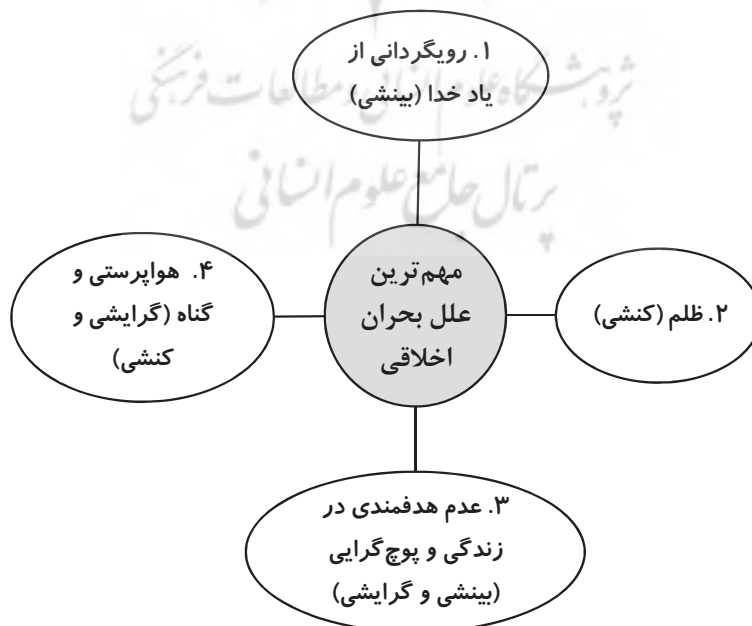
هرگاه خداوند خیر بنده‌ای را خواهد، در مجازات گناهِش در دنیا تعجیل می‌نماید (فیض کاشانی، ۱۴۰۵: ۷ / ۲۳۳ - ۲۳۲).

بنابراین، گاه مصیبت‌هایی که از سوی خدا بر برخی افراد به سبب خطاها و گناهان آنان وارد می‌شود، جهت هشدار و بیدارباش بوده تا دست از این غفلت بردارد. در صورت تبدیل فراموشی به توجه، فرد می‌تواند با پیشگیری به موقع جلوی بحران شدن آن خطای اخلاقی را بگیرد. به همین سبب است که امام علی علیه السلام درباره غفلت مردم دنیاپرست زمان خود چنین می‌گوید که گویا مردم این دنیا به مرداری روی کرده‌اند و در خوردن آن رسوایی به بار آورده‌اند. هر کس عاشق چیزی شود، آن، چشمش را کور و قلبش را مریض می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۸).

ج) تحلیل مهم‌ترین علل بحران اخلاقی

از دیدگاه شهید مطهری، علائم و نشانه‌های وجود بحران معنوی به‌طور کلی، افزایش خودکشی‌های ناشی از احساس بی‌هودگی و پوچی، ازدیاد اختلالات روانی و عصیان‌گری نسل جوان، کمبود عواطف عالی انسانی، از هم‌گسیختگی نظام خانوادگی، گسترش فقر و فقر، آلودگی محیط زیست، خشونت اجتماعی، اباحه‌گری ارزشی و تزلزل اخلاق و امثال آن است (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۲ / ۶۱۴ - ۶۳۲). از همین نشانه‌ها نیز می‌توان به اسباب این بحران پی برد. چه بسا برخی از این علامت‌ها، خود، سبب بحران‌زا در اخلاق و معنویت نیز باشند از این رو باید اسباب و علل آنها را در آیات و روایات بر اساس هدف این نوشتار پیگیری یا کشف نمود. بنابراین منطق تقسیم‌شش‌گانه علل بحران اخلاقی، مطالب استاد مطهری به ویژه در جلد ۲۲ مجموعه آثار ایشان است.

با عنایت به این نکته و در پرتو تقسیم‌بندی انسان‌شناختی سه‌گانه عوامل (بینشی، گرایشی، کنشی) در تحلیل راهکارها، می‌توان به‌شیوه‌ای قهقه‌رایی به شناسایی عوامل پیش‌برنده بحران‌های اخلاقی پرداخت. بر این مبنا، «رویگردانی از خدا» در زمره عوامل بینشی قرار می‌گیرد. «فقدان هدفمندی در زندگی» و «پوچ‌گرایی» واجد ابعادی توأمان از ساحت‌های بینشی و گرایشی‌اند. «ظلم» به‌عنوان رفتاری عینی، مصداقی از عوامل کنشی به شمار می‌رود. همچنین، «هواپرستی» را می‌توان در حوزه عوامل گرایشی و «گناه» را در طبقه عوامل کنشی جای داد. مهم‌ترین علل بحران اخلاقی مأخوذ از دیدگاه استاد مطهری در جدول ذیل قابل ملاحظه است:



۱. رویگردانی از یاد خدا

با توجه به متعلق رویگردانی یعنی یاد خدا که در محدوده خداشناسی نیز تعریف می‌گردد، یک عامل بینشی محسوب شده است؛ گرچه تأثیر و تأثر سه سطح انسان‌شناختی بینش و گرایش و کنش در هر یک از عوامل مورد نظر غیر قابل انکار است.

ضنک یعنی ضیق و تنگی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۱۲). قرآن می‌فرماید که عدم یاد خدا سبب تنگی در زندگی است (طه / ۱۲۴). طبق برخی از تفاسیر، ضنک در آیه پیش‌گفته، معنای عامی دارد و فقط تنگدستی اقتصادی و مالی نیست. عدم آرامش و داشتن مشکلات گوناگون در زندگی دنیا مانند بزهکاری‌های اجتماعی، اعتیاد به مواد مخدر، قتل و امثال آن از مصادیق ضنک است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۳ / ۳۳۰ - ۳۲۷)؛ به‌گونه‌ای که فرد احساس خوشبختی نمی‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۵ / ۱۶۹). استاد مطهری نیز آثار ایمان را در ذیل آیه مذکور، بیان می‌کنند؛ مانند انبساط و بهجت و روشن‌دلی که متضاد ضنک است (مطهری، ۱۳۹۰: ۲ / ۴۷ - ۴۶). پس استاد مطهری، بیشتر روی مصادیق روانی ضنک و تنگی خاطر تأکید دارد تا بحث مالی. او در جای دیگر می‌گوید:

با اینکه لازمه در یاد خدا نبودن این نیست که اسباب و وسایل مادی زندگی انسان (مثل قرض و بی‌پولی) انسان را تحت فشار قرار بدهد، ولی انسان از ناحیه درون تحت فشار قرار می‌گیرد، برای اینکه چیزی را دارد که مطلوب واقعی‌اش نیست و از مطلوب واقعی چیزی در آن وجود ندارد (همان: ۴ / ۶۵۲).

این سخن، قابل رهگیری و مستندیابی در روایات هم هست. مانند روایت نبوی مشهور «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا وَ كَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَغْلِبَ الْقَدْرَ؛ نزدیک است که فقر به کفر بینجامد، و نزدیک است که حسد بر تقدیر (الهی) چیره شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۰۷).

۲. ظلم

از مهم‌ترین آثار بحران اخلاقی در عصر حاضر، ظلم است. واژه ظلم، عام است و شامل ابعاد و مصداق‌های گوناگونی می‌شود. ظلم در لغت، به معنای مخالف واژه عدل و قرار دادن چیزی در غیر جایگاهی که مختص اوست، تعریف شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۷). استاد مطهری در تعریف ظلم می‌نویسد:

فردی را که نسبت به حقوق دیگران تجاوز می‌کند، در حوزه قدرت و اراده خود میان افراد تبعیض قائل می‌شود ... دارای نوعی نقص به نام «ظلم» و ستمگری می‌دانیم (مطهری، ۱۳۹۰: ۱ / ۶۹).

همه گونه‌های ظلم مانند ظلم شخصی، ظلم اجتماعی، ظلم اعتقادی و ظلم سیاسی در بحران معنویت و اخلاق، قابل طرح است؛ زیرا انسان دچار بحران معنویت و یا اجتماع مبتلا به بحران اخلاقی، به دلیل اینکه زیربنای بینشی صحیح و مستدلی نسبت به جهان، خالق خود و دیگر انسان‌ها ندارد و آفرینش را هدفمند نمی‌داند، ابایی ندارد که هر کاری را حتی اگر مخالف ارزش‌های اخلاقی باشد، انجام دهد. شروع این پدیده، با بزهکاری‌های فردی و گاه اجتماعی کوچک محقق می‌شود؛ اما در ادامه، به نقطه بحران اخلاقی می‌رسد. سبب ظلم به دیگران، عدم اعتقاد به مسئول بودن در آخرت یا غفلت از سرای دیگر (ص / ۲۶) و سبب اصلی ظلم به خود با انجام گناهان گوناگون، عدم شناخت نسبت به خود، استعدادهای خویش و موهبتی است که خدا به‌عنوان فطرت خداجو و یا عقل سلیم در او نهاده است (حشر / ۱۹). امام علی علیه السلام می‌فرماید:

انسان گمان می‌برد که جسمی است کوچک؛ درحالی‌که در او، جهان بزرگی تنیده شده است (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۹۲).

گاهی نیز در این میان جبرگرایی نسبت به وقوع ظلم از سوی ستم‌دیدگان به دلیل انحراف فکری در ظلم‌پذیری اجباری نیز دیده می‌شود. چنان که استاد مطهری می‌نویسد:

ستم‌کش نیز آنچه از دست ستمگر می‌کشد تحمل می‌کند؛ زیرا فکر می‌کند ... پنجه با پنجه قضا افکندن است و هم ضد اخلاق است؛ زیرا منافعی مقام رضا و تسلیم است (مطهری، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۷۵).

بزرگ‌ترین ظلم انسان نسبت به پروردگار، کفر و شرک و نفاق است (همان). چنانچه در آیات قرآن به آن اشاره شده است (لقمان / ۱۳).

البته شرک به خدا فقط ظلم در رابطه بین انسان و خدا نیست؛ زیرا از طرفی به خود ستم می‌کند که با آن مقام والای انسانی در برابر بت‌های بی‌جان و معبودهای دروغین - اعم از شرک جلی یا خفی - سر فرود می‌آورد. از طرف دیگر در حق خدا ستم می‌کند که موجودات بی‌ارزش را همتای او قرار می‌دهد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۳۹). چنان که قرآن فرموده است: «شما را چه شده است که از شکوه خدا بیم ندارید؟» (نوح / ۱۳).

«وقار» یعنی ثبات و در اینجا طبق نظر مفسران به معنای اقرار به وحدانیت خداست (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۶ / ۴۱۲) و از دیگر سو، ظلم به مردم است، زیرا انسان مشرک آنان را به گمراهی می‌کشاند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۳۹).

گاهی انسان نسبت به سایر هم‌نوعان خود مرتکب ظلم می‌شود؛ یعنی به حقوق خود قانع نبوده و پا را به محدوده دیگران می‌نهد که اصطلاحاً آن را «حق الناس» گویند. چنان‌که از این اصطلاح در روایات نیز استفاده شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۷ / ۲۵۲).

قرآن گاهی به برخی از مصادیق حق الناس اشاره می‌کند:

و کسی را که خداوند خورش را حرام شمرده، نکشید، جز به حق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی‌اش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکنند، چرا که او مورد حمایت است! (اسراء / ۳۳)

گونه دیگر ظلم، ستم انسان به خویش است؛ مثلاً قرآن می‌فرماید:

... مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمان‌های خدا را زیر پا می‌گذارند)، به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند... (نساء / ۶۴).

حال این سؤال پیش می‌آید که چگونه ممکن است آدمی به خویشتن ظلم کند؟ زیرا ظلم از بدخواهی پیدا می‌شود و ممکن نیست کسی بد خود را بخواید. در پاسخ به این مسئله بر اساس دیدگاه استاد مطهری می‌توان گفت: علت ظلم به نفس دو چیز است؛ یکی غفلت و دیگری جهالت. درست است که ظلم بدخواهی است و آدمی نمی‌تواند بدخواه خود باشد، ولی لازمه این قیاس این است که انسان عالم و عامداً و با توجه به اینکه ظلم می‌کند، هرگز به خود ظلم نمی‌کند؛ اما مانعی ندارد به صورت نیک‌خواهی و به خیال خیر رساندن به خود بدخواهی کند و به خودش شر و ضرر رساند. از قضا غالب بدبختی‌های انسان همان است که خودش به دست خویش با نیت خیرخواهی برای خود به وجود آورده است؛ اما از روی جهالت و نادانی به خیال اینکه به خودش خیری برساند، شری رسانده است. حکما قاعده‌ای را بیان می‌دارند مبنی بر اینکه علت‌های این جهان دو قسم است: علت فاعلی و علت قابلی. علت فاعلی یعنی آن عاملی که کننده و موجد یک اثر است. علت قابلی یعنی عاملی که پذیرنده اثر است؛ مثلاً نقاشی که تابلویی روی یک صفحه به وجود می‌آورد، خود نقاش علت فاعلی است؛ زیرا اثر یعنی آن تابلو از ذوق و فکر و هنر او ناشی شده است؛ اما آن صفحه که تابلو بر روی آن نقش بسته، علت قابلی است. اگر هرکدام از این دو نبودند، آن نقاشی به وجود نمی‌آمد. همیشه علت فاعلی باید غیر از علت قابلی باشد؛ یعنی یک چیز نمی‌تواند هم فاعل باشد و هم قابل، هم دهنده اثر باشد و هم پذیرنده آن (ر.ک: ابن سینا، ۱۳۷۶: ۲۹۹).

بر اساس همین قاعده تفاوت فاعل و قابل، اینکه می‌گویند انسان به خودش ظلم می‌کند، یعنی انسان هم عقل دارد و هم شهوت؛ شهوتش به عقلش ظلم می‌کند و حق عقل را که یاد گرفتن و سپس

اطاعت کردن است، پامال می‌کند. همچنین است حالت کسی که به دیگران ستم می‌کند؛ او در عین حال که به دیگری ظلم می‌کند، در قلب خود قساوت و تیرگی و سیاهی ایجاد می‌نماید و مثل این است که به جنگ عقل و قلب خود رفته است (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰: ۲۲ / ۱۱۸ - ۱۱۷).

نهایتاً وجه مصداقیت ظلم برای شرک را می‌توان به همان نقصان و کمبودی حمل نمود که در اصل معنای ظلم وجود دارد. ظلم در مقابل خدا بر اثر شرک نیز به همین سبب است که خود را از آنچه که خدا در جهت معرفت توحیدی خود واجب نموده، منع نموده و سبب نقصان در شناخت به خدا شده است (ر.ک: حائری‌تهرانی، ۱۳۳۸: ۸ / ۲۳۷). این نکته خود بحران اخلاقی ایجاد می‌کند؛ زیرا کسی که به مقام توحیدی خدا در ربوبیت و الوهیت ارج ننهد یا منحرف شود؛ به همان رویگردانی از یاد خدا دچار شده که سابقاً خود علت مستقلى برای ایجاد بحران اخلاقی شمرده شد.

۳. عدم هدفمندی در زندگی و پوچ‌گرایی

زندگی خالی از معنویت و اخلاق، انسان را به پوچی و دنیاگرایی می‌کشاند. گاه این امر منشأی چون دنیاطلبی دارد. چنان‌که قرآن می‌فرماید:

ای مردم! وعده خداوند حق است مبادا زندگی دنیا شما را بفریبید، و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد! (فاطر / ۵)

این تعبیر نشان می‌دهد زرق و برق دنیای فریبنده یکی از موانع مهم بر سر راه تکامل معنوی انسان است که تا این مانع را پشت سر نهد، راه به جایی نمی‌برد. از جمله عوامل فریب‌دهنده و بازدارنده انسان از سیر معنوی، می‌توان به وابستگی افراطی به مظاهر دنیوی نظیر مال، مقام، فرزند، جاذبه‌های نفسانی و وسوسه‌های شیطانی اشاره کرد؛ اموری که هر یک به نحوی انسان را به دنیا دل‌بسته ساخته و او را از توجه به حقیقت و غایت وجودی خویش باز می‌دارند (ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۴: ۶ / ۲۷۸؛ حائری‌تهرانی، ۱۳۳۸: ۸ / ۲۳۷). برخی از مفسران، حرکت جهان را به سمتی می‌دانند که غرورها و آرزوهای پوچ، رنگ ببازند و به این آیه قرآن در اثبات دیدگاه خویش تمسک کرده‌اند:

پس چگونه خواهد بود [حالشان] آن‌گاه که آنان را در روزی که هیچ شکی در آن نیست گرد آوریم و به هر کس [پاداش] دستاوردش به تمام [او کمال] داده شود و به آنان ستم نرسد؟ (آل عمران / ۲۵)

در نظر ایشان، عبارت «روزی که شکی در آن نیست» یعنی همه مطالب مشکوک، آرزوهای پوچ و غرورهای دنیوی، به یقین حاصل از دیدن واقعیت در آن روز تبدیل می‌گردد (طالقانی، ۱۳۶۲: ۵ / ۶۹ - ۶۷).

پوچ‌گرایی، طرز فکری منفی و بیمارگونه است و حکما معتقدند باید به زندگی معنا و مفهوم بخشید (نصری، ۱۳۸۶: ۱۴۷). البته جعل معنا برای زندگی یک نظریه است و در کنار تئوری دیگر یعنی کشف معنای زندگی قابل بررسی است. توضیح اینکه نظریه کشف معنای زندگی بر اساس این فرضیه است که معنای زندگی برای انسان‌ها وجود دارد و وظیفه هر فرد کشف این معنا است. به‌عنوان مثال، ویکتور فرانکل بیان می‌کند که افراد باید به دنبال یک معنا در زندگی خود باشند که فراتر از شرایط وجودی آنها باشد. او تأکید می‌کند که حتی در دشوارترین شرایط، می‌توان معنای زندگی را کشف کرد (ر.ک: فرانکل، ۱۳۹۲: ۱۱۵)؛ اما نظریه جعل معنا برای زندگی بر این مطلب تأکید دارد که زندگی هیچ معنای ذاتی‌ای ندارد و افراد باید خودشان معنا و هدفی برای زندگی خود بسازند. به‌عنوان نمونه فریدریش نیچه به این مسئله پرداخته و معتقد است که انسان‌ها باید ارزش‌ها و اهداف خود را به روش خود بسازند و به زندگی‌شان معنا ببخشند (ر.ک: نیچه، ۱۳۸۰: ۶۴).

در قرائت دینی از این مسئله، هدفداری و معناداری در زندگی با تکیه بر ایمان به خدا، نشانه سلامت معنوی، و احساس پوچی و بی‌معنایی، نشانه بیماری معنوی است (نیکونژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۴ - ۹۰). قرآن نیز بر معنادار بودن زندگی انسان در دنیا و عوالم دیگر و تحت تدبیر الهی بودن زندگی او و رها نشدن و پوچی انسان در زندگی‌اش تأکید کرده است (قیامت / ۳۶)؛ به‌گونه‌ای که برخی از مفسران، جاهل‌ترین فرد را کسی می‌دانند که متوهم و بدون برنامه رها شده است. چنین شخصی، خود را به مرتبه حیوانات و حشرات تنزل داده است. خدا از چنین آفرینش بی‌هوده نمودن، مبراست (مغنیه، ۱۴۲۴: ۷ / ۴۷۴).

شهید مطهری با تمثیلی گویا، تفاوت بنیادین نگرش مؤمن و غیرمؤمن را تبیین می‌کند. به باور ایشان، انسان مؤمن همچون فردی است که در کشوری زندگی می‌کند و به عدالت، سلامت قوانین، ساختارها و حسن نیت گردانندگان آن نظام اعتقاد دارد. چنین باوری، در او نوعی احساس امنیت، امید و انگیزه حرکت و تلاش ایجاد می‌کند. در مقابل، فرد بی‌ایمان مانند کسی است که در همان کشور ساکن است، اما هیچ‌گونه اعتمادی به عدالت و کارآمدی نظام حاکم ندارد. در نتیجه، زندگی برای او آمیخته با اضطراب، احساس پوچی، بدبینی و سرگشتگی خواهد بود (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰: ۲ / ۴۳).

۴. هوپرستی و گناه

از دیگر عوامل بحران معنویت و اخلاق در جامعه، فساد، آلوده بودن محیط و غرق شدن افراد در شهوت‌پرستی و هوپرستی است. فساد یک کلمه عام، دارای مصادیق متعدد است. فساد نقیض صلاح (ابن درید، ۱۹۸۸: ۲ / ۶۴۶)، خروج شیء از اعتدال، خواه کم باشد خواه زیاد، معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶). استاد مطهری، معتقد است تشنگی معنوی انسان یا با آبی گوارا از

چشمه‌ای با منشأ الهی سیراب می‌گردد یا با هوای نفس. نفس جای خدا و غیر، هم‌زمان نیست. هواپرستی سرچشمه غفلت از خدا و خلق خدا است و انسان را از همه حقایق جهان دور می‌سازد. یک انسان هواپرست جز به اشباع شهوات خویش نمی‌اندیشد. آگاهی، گذشت، ایثار، فداکاری و معنویت برای او مفهومی ندارد (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰: ۳ / ۴۰۳).

این نکته همان است که در برخی روایات مانند خبر منقول از امام صادق علیه السلام درباره اینکه قلب انسان، جز جای خدا نیست، آمده است (شعیری، بی‌تا: ۱۸۵).

در نگاه استاد مطهری، گناه زمانی رخ می‌دهد که انسان از معنویت دور شده، اعتدال بین قوای نفس انسانی از بین رفته و امیال شهوانی بر انسان غالب گردد (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰: ۲۲ / ۷۲۴).

پس حتی گناه نیز منشأی نفسانی و مبتنی بر خواهش و میل دارد. امام علی علیه السلام درباره خطر بحران‌آفرین هوای نفس می‌فرمایند:

خطرناک‌ترین پرتگاهی که بر سر راه سعادت شما قرار گرفته، هواپرستی و آرزوهای دور و دراز است؛ چرا که پیروی از هوا شما را از حق باز می‌دارد و آرزوهای دراز، آخرت را به دست فراموشی می‌سپارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۵۸).

استاد مطهری، بدین نکته اشاره کرد که فضائل اخلاقی برای چنین شخصی مفهوم ندارد و از این رو برای بروز و ظهور و پرورش آنها کاری نمی‌کند و در راستای پاک‌سازی و آرایش از رذائل نیز تلاش نمی‌کند؛ بلکه از او بعید نیست در مسیر ارضای هوای نفسانی خویش مرتکب آنها شود. این خود، منشأ بحران‌ساز در ساحت معنویت و اخلاق خواهد شد. این است که قرآن چنین فردی را پرستنده هوای نفس خود، خوانده است که چشمان و گوش‌های هدایت او به سبب حجاب خودبینی و خودخواهی از کار افتاده است:

پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟ (جاثیه / ۲۳)

اینان کسانی هستند که جز به منفعت و مصلحت خویش، چیز دیگری را نمی‌بینند. پس بحران اخلاقی حاصل عملکرد منفعت‌طلبانه کسی است که حق خدا و دیگران برای او ارزشی ندارد و خود را مسئول و پاسخ‌گو نسبت به آنان نمی‌داند (سید قطب، ۱۴۲۵: ۵ / ۳۲۳۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۷ / ۲۸). نتیجه پیروی از هوای نفس، فساد است و فساد موجب انحطاط فکری و اعتقادی انسان در زندگی می‌شود (ر.ک: فراهی‌هروی، ۱۳۸۴: ۳۱). پس فرآیند بحران‌سازی اخلاقی آن بدین شکل قابل تصور است:



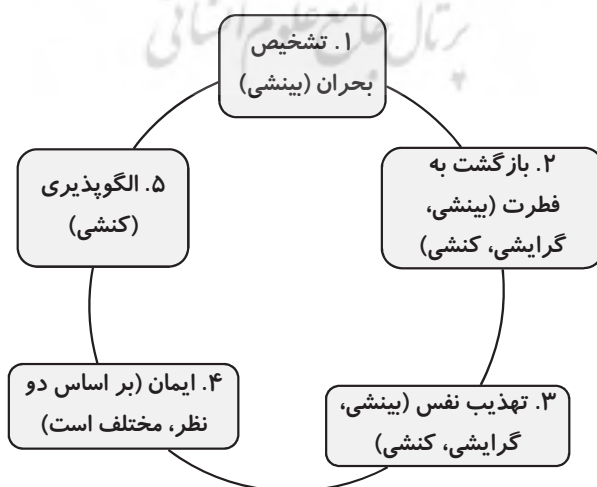
به همین سبب امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سرلوحه عقلانیت، مبارزه با هوای نفس است» (آمدی، ۱۴۱۰: ۲۳۴). فرآیند مذکور، در برخی از آیات قرآن ذکر شده است:

و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است، اطاعت مکن (کهف / ۲۸).

در اینجا نخست غفلت از خدا مطرح است و به دنبال آن، پیروی از هوا که نتیجه آن افراط است که به صورت مطلق ذکر شده است؛ زیرا طبع آدمی در لذت‌های مادی همیشه رو به افزون‌طلبی می‌رود. مانند افراد معتاد به مواد مخدر که احتمال مصرف بیشتر در ادامه برای آنها وجود دارد. به همین ترتیب در همه شاخه‌های هوا و هوس، دائماً رو به افراط گام برمی‌دارند تا خود را هلاک و نابود کنند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲ / ۴۶۲). در روایتی علوی علیه السلام در همین زمینه آمده است که هواپرستی اساس تمام رنج‌ها است (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۰۶).

د) راهکارهای مقابله با بحران‌های اخلاقی جهان معاصر

راهکارهای شناختی متعددی برای مقابله با بحران‌های اخلاقی وجود دارد که به مهم‌ترین آنها با تکیه بر دیدگاه استاد مطهری اشاره می‌گردد. در جدول ذیل، راهکارهای مقابله با بحران‌های اخلاقی به تصویر کشیده شده است:



۱. تشخیص بحران

تشخیص بحران، نخستین گام برای حل بحران است. با این توضیح که باید گفت: تشخیص به‌عنوان مرحله نخست از فرایند مقابله با بحران است؛ اما به سبب اهمیت این مرحله، گویا اجرای آن به‌مثابه یک راهکار در نظر گرفته شده است؛ یعنی تشخیص یک چیز، یک راهکار بینشی و شناختی محسوب نمی‌شود، بلکه نخستین گام برای حل بحران است. عدم شناخت یا تشخیص نادرست بحران، چه بسا مسبب انحراف یا خطای درمان و مقابله با آن گردد و در نتیجه، بحرانی دیگر ایجاد نماید. امام صادق علیه السلام هر گونه عمل غیرکارشناسانه در هر موضوعی را موجب دوری از هدف می‌داند:

هر کسی بدون بصیرت کاری را انجام دهد، مانند کسی است که در غیر مسیر خود حرکت کند؛ در نتیجه سرعت بیشتر موجب دوری بیشتر او از هدف گردد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۴۳).

ایشان در حدیثی دیگر به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

کسی که بدون شناخت، عملی را انجام دهد، بیش از آنکه اصلاح کند، تباه می‌سازد (همان: ۴۴).

پس از تشخیص بحران، تفهیم آن به افراد بحران‌زده، از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح آن است. گاهی شخص به‌دلیل کم‌توجهی یا بی‌توجهی به پیامدهای بحران، به‌سوی آن پیش می‌رود و حال آنکه اگر او متوجه این خطا یا عواقب آن بود، چنین اقدامی نمی‌کرد. پیشوایان دین نیز از این راهکار استفاده کرده‌اند. یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام «حسین بن ابی‌العلاء» می‌گوید:

با دوستان خود که حدود بیست نفر بودیم، برای سفر مکه حرکت کردیم. در هر منزلی که فرود می‌آمدیم، یک گوسفند ذبح می‌کردم. وقتی به منزل امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، فرمود: «ای حسین! آیا مؤمنان را به ذلت می‌کشانی؟» عرض کردم: «به خدا پناه می‌برم که چنین کاری کنم». امام فرمود: «به من خبر رسیده که در هر منزلی یک گوسفند قربانی می‌کردی». عرض کردم: «این کار را فقط برای رضای خدا انجام می‌دادم». فرمود: «آیا نمی‌دانی در کاروان، کسانی هستند که دوست دارند مانند تو این‌گونه کارها را انجام دهند، ولی توانایی مالی ندارند و نزد خود احساس ذلت و خواری می‌کنند؟» حسین گوید: «از این کار خود استغفار کردم و گفتم دیگر چنین کاری نمی‌کنم» (برقی، ۱۳۷۱: ۲ / ۳۵۹).

این تشخیص خطا، در سایه وجدانی بیدار میسر است و سبب می‌گردد از انجام مجدد آنها خودداری شود.

در دیدگاه شهید مطهری، وجدان عبارت از نیرو و قوه‌ای درون انسان است که تنها بر حق و حقیقت تکیه دارد. طبق قرآن (شمس / ۸) وجدان آدمی قادر است به کمک الهام الهی، خوب و بد را تشخیص دهد. بنابراین می‌توان وجدان را به‌عنوان یک مربی درونی به شمار آورد که انسان را از وجود مربی‌های بیرونی بی‌نیاز می‌کند (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰: ۲۱ / ۲۶۱ - ۲۵۷). البته اگر هم بی‌نیاز نکند، بستری ایجاد می‌نماید تا مربی بیرونی چون عقل و پیامبران و امامان با آمادگی شرایط بیشتر و بهتری به اصلاح او بپردازند. به عقیده ایشان اگرچه فشار عوامل مادی می‌تواند انسان را مستقیماً تحت تأثیر خود قرار دهد، اما در وجود انسان، اصالت، با ارزش‌های اخلاقی به ویژه وجدان اخلاقی است که با پشتیبانی ایمان و تربیت صحیح قادر است بر عوامل مادی پیروز شود (همان: ۱ / ۲۸).

۲. بازگشت به فطرت

اصول فطریات گرایشی همان‌هاست که در روان‌شناسی به‌عنوان تمایلات عالی انسان معرفی شده است؛ مانند حس راستی یا کنجکاو، حس زیبایی‌خواهی، حس اخلاقی، حس مذهبی (ر.ک: فروم، ۱۳۵۹: ۳۴؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۵: ۸). بنابراین اگر شخصی از دانش، هنر، اخلاق و مذهب - که صبغه ارزشی و قدسی و فطری دارند و از معیارهای رشد و کمال انسانی به شمار می‌روند - بهره ناپسند برد، قبح آن، امری عارضی و ثانوی خواهد بود، نه ذاتی و اولی (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۱۵۸). در آیات زیادی از قرآن بر هدایت‌گری فطرت تأکید شده است؛ مانند:

پس هنگامی که سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می‌شوند! (عنکبوت / ۶۵)

گرچه در ذیل آیه مذکور، غالب روایات تفسیری، مربوط به مباحث اعتقادی توحید و خداشناسی فطری است (به‌عنوان نمونه ر.ک: ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۲۳۱)، اما در برخی روایات، ارتکاب بعضی از ردیلت‌های اخلاقی از فطرت انسان مؤمن، بعید دانسته شده است؛ مانند اینکه حسن بن محبوب می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «آیا ممکن است مؤمن بخیل باشد؟» حضرت فرمود: «بله». باز پرسیدم: «آیا مؤمن می‌تواند ترسو باشد؟» فرمود: «بله». پرسیدم: «آیا مؤمن می‌تواند دروغ‌گو باشد؟» فرمود: «خیر و نیز نمی‌تواند خائن باشد؛ زیرا جیل و فطرت مؤمن قابلیت ارتکاب هر چیزی جز خیانت و کذب را دارد» (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳: ۲۳۱).

شهید مطهری می‌نویسد:

همه آن چیزهایی که امروز مسائل انسانی و ماورای حیوانی نامیده می‌شوند و اسم آنها را ارزش‌های انسانی می‌گذاریم، از نظر معارف اسلامی، ریشه‌ای در نهاد و سرشت انسان دارند و اصالت انسان و انسانیت واقعی انسان در گرو قبول فطریات است (مطهری، ۱۳۹۰: ۳ / ۴۶۸).

از این رو، با توجه به آیات و روایات، همچنین از دیدگاه استاد مطهری، یکی از راهکارهای حل بحران اخلاقی، رجوع به فطرت یا به تعبیر روشن‌تر، پالایش و صیقل دادن فطرت از زنگارهای غفلت‌زای دنیوی و هوای نفس و گناه و در عین حال، جهت‌دهی صحیح به گرایش‌های طبیعی و درونی است و می‌تواند نقشی کلیدی در این زمینه ایفا کند. بخشی از این راهکار، در تهذیب نفس نیز قابل تبیین است که در ادامه ذکر خواهد شد.

۳. تهذیب نفس

تهذیب نفس یکی از مهم‌ترین راهکارها برای مقابله با بحران‌های اخلاقی و معنوی است. در اصطلاح دانش اخلاق اسلامی - که از قرآن مأخوذ است - تقوا و مشتقات آن، تا حدی مفهوم تهذیب نفس و یا عوامل آن مانند مراقبه، بی‌میلی به دنیا را در خود دارد. این نکته در دیدگاه برخی از مفسران در ذیل آیه ۱۷۷ سوره بقره قابل ملاحظه است (ر.ک: شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۳۲۶؛ شعرانی، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۴). در شماری از روایات اسلامی، بر ضرورت تهذیب نفس به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در مسیر نجات و تعالی معنوی تأکید شده است. بدین صورت که هرگاه نفس، سرکشی کرد، بر آن باید سخت گرفت تا ذلیل گردد. نفس را باید فریب داد تا از انسان پیروی نماید (آمدی، ۱۴۱۰: ۲۸۹).

حتی برخی روایات اسلامی، به میل ذاتی نفس به بی‌ادبی و انحراف اخلاقی تصریح دارند که لازمه اصلاح آن، تلاش برای مؤدب نمودن و اخلاق‌مدار کردن نفس است (طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۴۷).

به عقیده شهید مطهری اگر شخصی قصد تربیت و ساختن خویش را داشته باشد، مهم‌ترین شرط آن، عنصر «مراقبه» است. مراقبه، نخستین مرحله در تهذیب نفس انسان به شمار می‌رود؛ به این معنا که انسان همیشه خود را در حضور خداوند احساس کرده و چون خداوند را ناظر بر تمامی اعمال، رفتار و افکار خویش می‌داند، کوچک‌ترین خطایی از او سر نزند؛ اما لازم است قبل از مراقبه، انسان برای خود برنامه‌ای تنظیم کند. این برنامه، مشارطه نام دارد؛ یعنی انسان با خود شرط ببندد باید فلان اعمال را انجام دهد و از فلان اعمال پرهیز کند. پس از آنکه برای خود چنین شروطی تعیین کرد، در طول روز با

دقت تمام مراقب اعمال خویش باشد که از برنامه معین عدول نکند. سپس در انتهای شب تمامی اعمال خویش را محاسبه کرده و با برنامه مقرر تطبیق دهد. چنانچه مطابق با آن عمل کرده، از خداوند تشکر کند؛ اما اگر در کل برنامه یا در برخی از اجزای آن مخالفت کرده، باید خویش را متناسب با خطایی که مرتکب شده، ملامت و عقوبت کند. بنابراین، مشارطه، مراقبه و محاسبه سه مرحله اساسی در تهذیب نفس به شمار می‌روند (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰: ۲۲ / ۷۶۲).

آنچه اهمیت تهذیب نفس با شروع از مراقبه را نشان می‌دهد، نوعی پیشگیری و آسیب‌شناسی توأمان از نواقص معنوی و بحران‌های اخلاقی احتمالی است. در برخی روایات، پیش‌نیاز پیشگیری از ضرر یک چیز، آسیب‌شناخت آن معرفی گشته است (لیثی‌واسطی، ۱۳۷۶: ۱۲۰). این مسئله نیز از این قاعده مستثنا نیست و تهذیب نفس را باید راهکاری مرکب از دو رویکرد پیشگیرانه و کنترلی دانست؛ به این معنا که هم باید از شکل‌گیری زمینه‌های انحراف اخلاقی جلوگیری کرد و هم در صورت بروز تمایلات ناهنجار، به مهار و اصلاح آنها پرداخت.

۴. ایمان

در دنیای کنونی، مشکلات اصلی یا اولویت‌دار فراروی بشر، مربوط به روح و روان اوست که گاه با عنوان معنویت و گاه با تعبیر اخلاق از آن یاد می‌شود (ر.ک: بهروزی‌لک، ۱۳۸۸: ۱۷۷؛ اخوان‌کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۰۰). روایاتی در منابع شیعه و اهل تسنن بر بحران معنویت و اخلاق در پایان تاریخ تأکید دارند که با ظهور منجی این مسئله تغییر خواهد کرد؛ مانند دلالت گزاره حدیثی مشهور «يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» بر این بحران اخلاقی (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱ / ۲۸۵).

همان‌گونه که رویگردانی از یاد خدا، بحران اخلاقی ایجاد می‌کند، پس مطمئن‌ترین راه رهایی از آن، ایمان به خداست. ایمان، آثار فردی متعددی همچون رستگاری، طمأنینه و آرامش، توکل و اعتماد بر خدا، روشن‌بینی، مغفرت الهی و نیز آثار اجتماعی متعددی از قبیل سلامت اجتماعی، مقابله با فساد و انحراف و یکپارچگی اجتماع دارد (ر.ک: سبحانی، ۱۳۹۰: ۱۰۷ - ۱۰۹). به‌عنوان نمونه، قرآن می‌فرماید:

آگاه باشید که دوستان خدا نه هیچ ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند؛
(همان) کسانی که ایمان آوردند و همواره خودنگهداری می‌کردند (یونس / ۶۲ - ۶۳).

در تفسیر آیه نامبرده، گفته شده ولی خدا، آن کسی است که در پرتو نور ایمان به خدا، بین او و خدا حائل نیست؛ از این‌رو، خدا را با چشم دل چنان می‌بیند و هیچ‌گونه تردیدی به دل او راه نمی‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸ / ۳۳۳).

قرآن در جای دیگر می‌فرماید:

(همان) کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد؛ آگاه باشید، که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد! (رعد / ۲۸)

برخی از مفسران این آرامش قلبی شخص مؤمن را به سبب ایمان او به انحصار ربوبیت جهان و تدبیر امور به دست خدا می‌دانند. بنابراین ایمان در اینجا یعنی ایمان به توحید ربوبی برای خدا (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۳ / ۵۲).

به عقیده استاد مطهری، انسان نمی‌تواند بدون داشتن ایده، آرمان و ایمان، زندگی سالمی داشته باشد و کار مفید و ثمربخشی انجام دهد. انسان دائماً با مسائل اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو است و به ناچار باید عکس‌العمل خاصی در برابر این‌گونه مسائل داشته باشد. اگر به مکتب، عقیده و ایمان، پیوسته باشد، تکلیفش روشن است، اما در غیر این صورت هر لحظه به‌سویی کشیده خواهد شد (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰: ۲ / ۳۵). وی ایمان را این‌گونه تعریف کرده است:

گرایش‌های والا، معنوی و فوق حیوانی انسان آن‌گاه که پایه و زیربنای اعتقادی و فکری پیدا کند، نام ایمان به خود می‌گیرد (همان: ۲۴).

بنابراین از دیدگاه شهید مطهری، حکمت نظری به همراه حکمت عملی و ایمان قادر هستند اسباب رشد و اصلاح شخصیت آدمی را در مسیری صحیح فراهم کنند تا همیشه آماده مقابله با بحران‌ها و آسیب‌های اخلاقی باشد.

۵. الگوپذیری

در میان عوامل مؤثر بر شخصیت آدمی و نیز تأثیرگذار در مواجهه با بحران‌های اخلاقی، الگوپذیری، تأثیر بسزایی دارد. در قرآن نیز بر الگو و اسوه تأکید شده است (مانند: احزاب / ۲۱ و ممتحنه / ۴). قرآن در استفاده از شیوه الگوسازی، دست‌کم دو نکته مهم تربیتی را مورد توجه قرار داده است:

نخست: چهره‌های محبوب را گاه به‌طور کلی و با عناوین عام معرفی کرده است؛ از جمله توبه‌کنندگان (توابین)، پاکان (متطهرین)، پرهیزگاران (متقین)، صالحان، صابران، محسنین (نیکوکاران). گاه نیز به‌طور خاص و به اسم - در مورد پیامبران و غیر آنان - از ایشان یاد نموده است؛ اما چهره‌های منفور و مطرود از نظر قرآن به‌طور عمده - به جز در موارد استثنایی، مثل ابولهب - با توصیف عناوین کلی آنان، مثل تجاوزگران (معتدین)، اسراف‌کنندگان (مصرفین)، خودپسندان (متکبرین)، کافران، ستمگران (ظالمین)، و منافقان بیان شده‌اند.

دوم: انتخاب‌گری در الگوهاست. قرآن با طرح چهره‌های محبوب و منفور در کنار هم، جامعه انسانی را به گزینش آگاهانه الگوهای مورد نظر خویش دعوت می‌کند، حتی در مورد پدران و گذشتگان نیز هشدار می‌دهد که بدون آگاهی با پیروی کورکورانه از آنان زندگی خود را تباه نکنند:

(گفتند:) ما پدران خود را بر آیینی یافته‌ایم و ما هم از ایشان پیروی می‌کنیم.
گفت: «هرچند هدایت‌کننده‌تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌اید برای شما بیاورم؟»
(زخرف / ۲۴ - ۲۳).

در آیه پیش‌گفته، ثروتمندان مست و مغرور، با تمسک بر عواطف، به تقلید از پدران خود حتی در اختیار کردن دین مباردت کرده‌اند؛ اما فرهنگ شریعت و رسالت دینی آن، توصیه به تحریک و جولان فکری می‌نماید و بین احترام به گذشتگان بر اساس عواطف و حرکت از روی فکر بدون تقلید کورکورانه، انفکاک قائل شده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۰ / ۲۲۶).

این همان چیزی است که در سخنان امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه فرموده است:

اگر قرار است، تعصب داشته باشید، تلاش کنید به‌خاطر مکارم اخلاق و محامد افعال و محاسن امور باشد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲).

حال گاه الگوها، در بالاترین مرتبه قوس صعود از نظر ارزش یا در پایین‌ترین مرتبه در قوس نزول از جهت ارزش قرار دارند؛ اما الگوهای متوسط یا عادی نیز در جامعه در میان خانواده و دوستان و اطرافیان وجود دارد که این الگوپذیری را در جهت مثبت یا منفی در انسان به وجود خواهد آورد. آن الگوپذیری مدنظر به‌عنوان راهکار اصلاحی بحران اخلاقی مدنظر است که سبب تقلید در زمینه فضائل گردد. استاد مطهری از این حالت الگوپذیری، به ویژگی تصفیه‌گری آن یاد نموده است (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۲۶۶ - ۲۶۳).

به همین جهت است که استاد مطهری، الگوپذیری از انسان‌های کامل را بهترین وسیله تربیت، تغییر و اصلاح انسان‌ها می‌داند. از نظر وی روح انسان به قدری حساس است که حتی از نامحسوس‌ترین واکنش‌های بیرونی به‌آسانی اثر می‌پذیرد. از جمله مواردی که تأثیر آن بر روح انسان بسیار واضح است، محیط و معاشرت‌های اطرافیان است. اعمال نیک یا بد اطرافیان بسیار سریع به فرد و روحیات او سرایت می‌کند (همان: ۲۲ / ۲۰۵).

به عقیده شهید مطهری، کوشش و کشش انسان باید توأم با یکدیگر باشد؛ به این معنا که انسان علاوه بر آنکه باید مجذوب الگوی خویش باشد، لازم است در راه رسیدن به آن الگو نهایت تلاش خود را به کار بندد؛ در این صورت میزان اثرگذاری آن به مراتب، بیشتر از زمانی است که الگوها به‌راحتی در

دسترس فرد هستند. هر انسانی باید برای پیدا کردن اهل حقیقت تلاش کند تا بدین وسیله بتواند رذائل خویش را اصلاح کند (همان: ۱۶ / ۱۶۷).

در نهایت باید گفت: بازگشت به فطرت، یک فرآیند ترکیبی است که از یک سو شناختی و بینشی و از سوی دیگر جزو راهکارهای کنشی و عملی و از جهتی دیگر از جمله راهکارهای گرایشی است؛ زیرا با گرایش‌های ذاتی انسان سر و کار دارد. تهذیب نفس، راهکاری است که با سه جنبه انسان، یعنی بینش، گرایش و کنش، در تعامل است؛ بدین معنا که از یک سو باید برای تهذیب نفس، شناخت از طریق صحیح آن وجود داشته باشد؛ از سوی دیگر کنترل غرایز و امیال، آن را گرایشی می‌کند و از جهت دیگر به سبب تقوا و پرهیزگاری، آن را در حیطه عمل می‌آورد. ایمان غالباً بر اساس دیدگاه دانشمندان مسلمان و متون دینی، به معنای اذعان قلبی دانسته شده است (رک: مدنی، ۱۴۰۹: ۵ / ۵۱۶) و بر این اساس، یک راهکار بینشی - گرایشی است؛ اما بنا بر نظریه علامه طباطبایی که تصدیق قلبی را همراه با عمل صالح، حقیقت ایمان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۶)، مرکب از بینش، گرایش و کنش است. الگوپذیری نیز یک راهکار کنشی است.

نتیجه

بر اساس آنچه بیان گردید، بحران اخلاقی یعنی خروج از تعادل طبیعی فرد یا جامعه در زمینه اخلاق. رسیدن به نقطه بحرانی، معمولاً بر اثر یک حرکت تدریجی پدید می‌آید. این نکته در مباحث اخلاقی نیز مطرح است. چه بسا انسان به سبب زنگارهای دنیوی و غفلت از هویت خویش و سرانجامی که برای او در نظر گرفته شده، به تدریج مرتکب رذیله‌های اخلاقی و نهایتاً دچار بحران اخلاقی شود. این بحران، در عصر حاضر به سبب تلفیق با بحران معنویت، بیشتر شده است.

عوامل مهم بحران‌ساز اخلاقی با تأکید بر دیدگاه استاد مطهری - که خود می‌توانند زیرمجموعه‌هایی نیز داشته باشند - با توجه به تقسیم‌سه‌گانه انسان‌شناختی راهکارها و به تبع آن به صورت قهقرایی، عبارت‌اند از رویگردانی از یاد خدا به‌عنوان عامل شناختی، ظلم به‌مثابه عاملی کنشی و رفتاری، عدم هدفمندی در زندگی و پوچ‌گرایی ترکیبی از بینش و گرایش، هواپرستی و گناه به ترتیب یک مقوله گرایشی و یک مسئله کنشی.

راهکارهای حل بحران‌های اخلاقی با تأکید بر دیدگاه استاد مطهری عبارت‌اند از: تشخیص بحران اخلاقی به‌عنوان یک راهکار بینشی؛ بازگشت به فطرت، یک فرآیند ترکیبی بینشی و کنشی و گرایشی؛ تهذیب نفس، راهکاری مرکب از بینش و کنش و گرایش؛ ایمان غالباً بر اساس دیدگاه دانشمندان

مسلمان و متون دینی، اذعان قلبی تعریف شده است و بر این اساس، یک راهکار بینشی - گرایشی است؛ اما بنا بر نظریه علامه طباطبایی که تصدیق قلبی را همراه با عمل صالح، حقیقت ایمان می‌داند، مرکب از بینش، گرایش و کنش است. الگوپذیری نیز یک راهکار کنشی است.

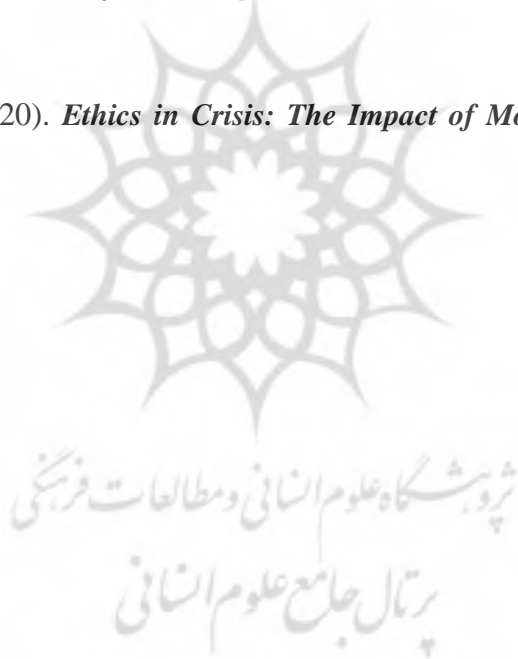
منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۳۸۸). ترجمه حسین انصاریان. قم: دار العرفان.
- آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم*. قم: دار الکتب الاسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. تهران: اسلامیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). *التوحید*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸ م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن سینا، (۱۳۷۶). *الإلهیات من کتاب الشفاء*. تحقیق علامه حسن زاده آملی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). *نگرشی نو به آموزه مهدویت*. قم: پژوهشکده مهدویت.
- امیری طهرانی زاده، محمدرضا (۱۳۹۹). *پیش‌درآمدی بر مسئله‌شناسی علوم اجتماعی در ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امینی، محمد (۱۳۹۷). *روش‌های شناختی در تربیت اصلاحی از دیدگاه احادیث*. *پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی*. ۵ (۴). ۱۳۸ - ۱۰۱
- انوری، حسن (۱۳۹۳). *فرهنگ فشرده سخن*. تهران: آگاه.
- برزگرشانی، یعقوب (۱۳۶۸). *بحران معنویت و راهکارهای هدایتی قرآنی*. مشهد: ضریح آفتاب.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۸۸). *سیاست و مهدویت*. قم: حکمت رویش.
- حائری طهرانی، علی (۱۳۳۸). *مقتنیات الدرر*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس فی جواهر القاموس*. بیروت: دار الهدایه.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۹). *اخلاق در زندگی کنونی و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۰). *فلسفه و جامعه‌شناسی*. ترجمه فرحناز خمسه‌ای. تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.

- دورکیم، امیل (۱۳۶۹). *تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام. بابل: انتشارات کتابسرای بابل.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۵). *فطرت در قلمرو اندیشه و رفتار*. فصلنامه *نامه مفید*. ۲ (۲).
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۸). *هدایت و معرفت فطری در احادیث*. *کیهان اندیشه*. ۲۱ (۴).
- ریویر، کلود (۱۳۹۷). *جامعه - انسان‌شناسی ادیان*. ترجمه علیرضا خدای. تهران: نشر نی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰). *ایمان و آثار سازنده آن*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سید قطب (۱۴۲۵ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار الشروق.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). *تفسیر اثنی‌عشری*. تهران: میقات.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۶). *پژوهش‌های قرآنی علامه شعرانی*. قم: بوستان کتاب.
- شعیری، محمد (بی تا). *جامع الأخبار*. نجف: مطبعة الحیدریة.
- طالقانی، محمود (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه‌ی علمی للمطبوعات.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*. نجف: المكتبة الحیدریة.
- فرانکل، ویکتور (۱۳۹۲). *انسان در جست‌وجوی معنا*. ترجمه بهرام حیدری. تهران: نشر دانژه.
- فراهی هروی، معین‌الدین (۱۳۸۴). *تفسیر حدائق الحقایق (قسمت سوره یوسف)*. تهران: دانشگاه تهران.
- فروم، اریک (۱۳۵۹). *روان‌کاوی و دین*. ترجمه آرسن نظریان. تهران: نشر پویش.
- فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک.
- فیض‌کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۰۵ق). *محجة البیضاء*. قم: دفتر نشر اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- لیثی‌واسطی، علی (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دار الحدیث.
- مدرس‌ی، محمدتقی (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: دار محبی‌الحسین.
- مدنی، سیدعلیخان (۱۴۰۹). *ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین*. قم: دفتر نشر اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. قم: دار الکتب الإسلامی.

- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإختصاص*. قم: کنگره هزار شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *زندگی در پرتو اخلاق*. قم: سرور.
- ملاصدرا، محمد (۱۳۸۳). *شرح اصول الکافی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- موسوی لاری، مجتبی (۱۳۷۶). *رسالت اخلاق در تکامل انسان*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- نصری، عبدالله (۱۳۸۶). *فلسفه آفرینش*. قم: دفتر نشر معارف.
- نیچه، فریدریش (۱۳۸۰). *چنین گفت زرتشت*. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: خوارزمی.
- نیکونژاد، سپیده و دیگران (۱۳۹۵). نقش تربیتی معناداری زندگی در مقابل پوچی از دیدگاه اسلام و تأثیر کاربست آن در نظام تعلیم و تربیت. *بصیرت و تربیت اسلامی*. ۱۳ (۲). ۸۹-۱۱۶.
- هوکسما، نولن و دیگران (۱۳۸۶). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*. ترجمه نصرت‌الله پورافکاری. تهران: شهرآب و آینده‌سازان.
- Evans, Michael (2020). *Ethics in Crisis: The Impact of Moral Conflicts on Society*. London: Routledge





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی